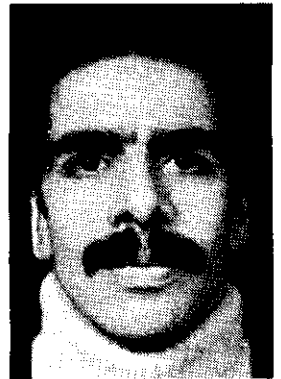


شرکتهای تجاری در ایران پیدایش، تحولات و مقررات قانونی

سعید منوچهر پورنائینی



نبود منابع بسنده و سنت مستند ساختن رویدادهای تاریخی در ایران سبب شده است که آگاهی از تحولات تاریخی به آسانی امکانپذیر نباشد و یا چندان دشوار باشد که حتی پرداختن به اینگونه بررسیها ناممکن بنماید؛ همان تجربه دشواری که نویسنده مقاله حاضر در جریان تنظیم این تاریخچه پشت سر گذاشت تا در حد امکان زمینه تاریخی - اجتماعی - اقتصادی پیدایش و تحولات قانون تجارت و قوانین وابسته را در مورد شرکتهای تجاری در ایران آشکار سازد. از اینرو وظیفه داریم که نخست کوششهای پیگیرانه ایشان را در این کار ارج نهیم. سپس به انجام تغییراتی که به منظور تسهیل مطالعه این مقاله - البته با اجازه نویسنده محترم - در آن به کار برده ایم و اندکی از ضابطه‌های تدوین اینگونه نوشتارها عدول کرده ایم، اعتراف کنیم و آن اینکه چون برای تنظیم هر بخش از مطالب مقاله حاضر از منابع متعددی که ضرورتاً در راستای هدف این مقاله فراهم نیامده بود بهره گرفته شده است، گونه‌ای ورق بزنید

* در ادبیات اقتصادی ما در زمان حاضر واژه بازرگانی به جای تجارت به کار می‌رود که دربرگیرنده فعالیتهای صنعتی، خدماتی و... با قصد انتفاع می‌باشد. منتها در این نوشته به دلیل آنکه به بررسی قانون تجارت می‌پردازد، در همه جا همان واژه تجارت به مفهوم بازرگانی به کار رفته است.

ناهمنواختی در نوشتار مقاله پدید آمده بود و مطالعه آن را دشوار می‌کرد. از این رو بر آن شدیم تا در راستای یکنواخت کردن مقاله ویرایشی اندک را در متن بخشهای برگرفته شده از سایر منابع انجام دهیم و مرزهای اقتباس را از میان برداریم و تنها به درج آنها در پایان مقاله بسنده کنیم و مسئولیت این کار را نیز بپذیریم.

حسابدار

بازار سهام همراه بود. این بحران در زمانی به وقوع پیوست که قدرت مالی و اقتصادی در حال انتقال از اروپا به ایالات متحد بود. این انتقال قدرت، باعث بروز تزلزل شدید در نرخهای ارز گردید و در نتیجه دلار به عنوان پول ذخیره بین‌المللی جایگزین لیره انگلیس شد. بدین سان به روشنی می‌توان به عمق و وسعت و اهمیت نقش شرکتهای تجاری پی برد. از دوره شکوفایی شرکتهای سهامی تا

بخش اول

شرکتهای تجاری در جهان

شرکتهای تجاری با گردآوردن سرمایه، در اقتصاد جهان، نقش چشمگیری ایفا می‌کنند. این‌گونه مؤسسات از تولید کالاهای مصرفی مثل شکر، کره و پنیر گرفته تا ساخت ماشین‌آلات و تجهیزات موردنیاز صنایع پیشرفته، و ارائه گسترده خدماتی مانند بیمه و بانک را برعهده می‌گیرند و وسیعترین و پویاترین ارتباط را بین سرمایه‌های تجاری - مالی - صنعتی برقرار می‌کنند و بدین ترتیب نقشی تعیین‌کننده در نظام اقتصاد جهان سرمایه‌داری ایفا می‌کنند.

در اهمیت نقش شرکتهای تجاری، همین بس که تحولات بازار سهام به عنوان شاخصی برای ارزیابی تحولات نظام سرمایه‌داری به کار گرفته می‌شود چنانکه اقتصاددانان سقوط بازار سهام در ۱۹۸۷

مقدمه:

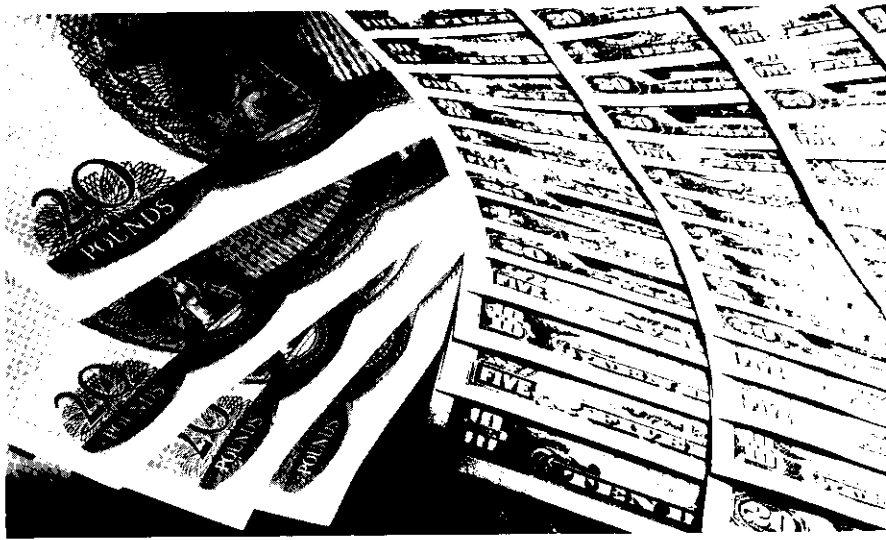
نزدیک به بیشتر فعالیتهای اقتصادی مؤسسات تولیدی، خدماتی و بازرگانی در چارچوب شکل حقوقی «شرکت» انجام می‌شود. ضرورت تمرکز و انباشت سرمایه‌های خرد که به تنهایی بازده بسنده فراهم نمی‌آورد از یک سو و تنظیم روابط و تعیین حقوق و مسئولیتهای مربوط به این‌گونه مؤسسات براساس مقررات قانونی از سوی دیگر، انگیزه ایجاد شرکتهای تجاری موضوع بحث ما را فراهم آورد.

قوانین و مقررات حاکم بر شرکتهای که به‌طورکلی دربرگیرنده مؤسسات تولیدی، بازرگانی و خدماتی است، بنابر قاعده با تغییر و تحولات اقتصادی - اجتماعی - سیاسی هر کشور پیوندی اساسی و استوار دارد. با این وصف این تغییرات همزمان روی نمی‌دهد و معمولاً تأثیر تغییرات اقتصادی - اجتماعی - سیاسی، مدتها بعد از بروز و ظهور، در قوانین و مقررات بازتاب می‌یابد.

تدوین مقررات و قانون تجارت در ایران، به‌رغم سابقه طولانی تجارت در این کشور، قدمت چندانی ندارد. افزون بر این تمامی

پیدایی شرکتهای چند ملیتی، کمتر از صدوپنجاه سال می‌گذرد. از آن زمان تاکنون، شرکتهای تجاری در اقتصاد جهان، نقشی هر دم فزاینده‌تر و فراگیرتر

(۱۳۶۶ شمسی) را واقعه‌ای تاریخی برای اقتصاد جهانی به‌شمار می‌آوردند. همچنین یکی دیگر از مشهورترین بحرانهای نظام سرمایه‌داری، بحران سال ۱۹۲۹ با بحران



جهانی خواهد بود.» و این امر را محصول استراتژیهای منطقه‌ای شرکتهای فراملیتی، دانسته است.

شرکتهای فراملیتی که اکنون بر بخش بزرگی از بازار جهانی تسلط دارند یک‌شنبه در عرصه اقتصاد ظاهر نشده‌اند. پیدایی این‌گونه مؤسسات به سالهای ۱۸۴۷ تا ۱۸۵۷ میلادی برمی‌گردد؛ سالهایی که بازار آمریکا به دنبال کشف معادن طلا در کالیفرنیا گسترش یافت و در آمریکا و اروپا راه‌آهن پدید آمد و صنایع نوین پایه‌گذاری شد. تحولاتی که پیامد نخستین انقلاب صنعتی بود. شرکتهای سهامی نیز در این دوره پا گرفتند. زمانی که سرمایه‌داری به عنوان نظام مسلط در غرب، دوران رقابت آزاد را پشت‌سر می‌گذاشت.

در ربع آخر قرن ۱۹ سرمایه‌داری صنعتی به انقلاب تکنیکی جدیدی گام نهاد و در کنار استفاده از ذغال‌سنگ و بخار به‌عنوان منبع انرژی، نفت و برق نیز مورد استفاده قرار گرفت. این انقلاب در تأمین انرژی، زمینه‌ساز هرچه بیشتر فعالیت‌های صنعتی را فراهم آورد که سرمایه‌گذارهای فراوان را ایجاب می‌کرد و به پیدایی شرکتهای بزرگ ذوب فلزات انجامید. کارگاهها و شیوه‌های سنتی ذوب فلزات کنار گذاشته شد و توسعه صنایع جدید در رشته‌های آلومینیوم، شیمیایی، الکتریکی امکانپذیر شد. در این زمان کشورهای دیگری مانند روسیه و ایتالیا نیز به بازار سرمایه جهانی پیوستند و بر تمرکز هرچه بیشتر سرمایه دامن زدند.

در اثر عوامل یاد شده مناسبات سرمایه‌داری ایجاب کرد که شعار رقابت آزاد کنار گذاشته شود و دیری نپایید که روند ورق بزنید

قوانین تجاری بویژه مقررات قانون تجارت در مورد شرکتهای تجاری متناسب با تحولات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور تغییر نیافته است. حال آنکه بنا بر آنچه خواهد آمد، شرکتهای تجاری، در دو قرن اخیر، تغییرات و تحولات چشمگیری داشته‌اند و از نظر اقتصادی دارای چنان جایگاهی هستند که فراتر از مرزهای ملی کشورها، عمل می‌کنند.

این مقاله با مروری کوتاه بر تحولات شرکتهای در جهان، سابقه تاریخی شرکتهای تجاری ایران، اولین اساسنامه شرکتهای در ایران، تغییرات قانون تجارت ایران در خصوص شرکتهای تجاری در بستر تحولات تجاری و در پایان اهم سایر قوانین ناظر بر شرکتهای تجاری را بررسی می‌کند.

بدیهی است پرداختن به مقررات و قوانین حاکم بر فعالیت شرکتهای تجاری در عرصه بین‌المللی از ضرورت‌هایی است که توجه صاحب‌نظران را به‌طور خاص طلب می‌کند. ●

لکوموتیو رشد» تأکید کرده است: «رشد بی‌سابقه جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در طی ده سال گذشته، اصلیترین وسیله ادغام فزاینده کشورها در اقتصاد

داشته‌اند. به طوری که سازمان ملل در گزارشی درباره سرمایه‌گذاری جهانی در سال ۱۹۹۲ با عنوان «شرکتهای فراملیتی،



اجتناب ناپذیر انباشت، رشد و تمرکز سرمایه در مقیاس ملی و بین‌المللی زمینه ادغام شرکتهای بزرگ و تشکیل انحصارها را در کشوری واحد و انحصارهای چندملیتی را سبب شد.

بخش دوم

شرکتهای تجاری در ایران (قبل از انقلاب اسلامی)

زمینه پیدایی شرکتهای تجاری در ایران

فرایند تشکیل شرکتهای تجاری در اقتصاد ایران، هرچند از تحولات جهانی سرچشمه می‌گرفت، اما به کندی شکل گرفت. این چگونگی بازتاب عوامل بازدارنده در نظام سیاسی-اقتصادی حاکم بر کشور، بود.

هرچند نخستین آشنایی ایرانیان با شرکت تجاری به سال ۹۹۵ شمسی (۱۶۱۶ میلادی) همزمان با مراجعه نمایندگان کمپانی هند شرقی به دربار شاه عباس صفوی برمی‌گردد، اما تا تشکیل اولین شرکت تجاری ایران در سال ۱۲۷۹ شمسی (۱۹۰۰ میلادی) به نام «شراکت عمومی امتعه ایران» که دارای اساسنامه باشد ۲۸۴ سال طول کشید.

به‌طورکلی زمینه تشکیل شرکتهای در دوره قاجار فراهم می‌شود، دوره‌ای که در آن عوامل سیاسی-اقتصادی داخلی

متعدد، با تأثیرگذاری نظام پیشرفته و گسترش یابنده سرمایه‌داری غرب رویاروی می‌شود و البته در نتیجه عوامل جغرافیایی است که تجارت ایران تا اواخر دوره قاجار، در مدار بازار جهانی قرار نمی‌گیرد. در اواخر همین دوره است که در اثر برقراری روابط تجاری تجار ایرانی، با مؤسسات خارجی، ابتدا شعبات شرکتهای تجاری خارجی در ایران فعال می‌شوند و سپس تجار ایرانی با انگیزه رقابت با این شرکتهای خود به تشکیل شرکت روی می‌آورند.

تجارت در دوره قاجار

۱. تجار ایرانی و رقابت با شرکتهای تجاری اروپایی

ویلم فلور پژوهشگر هلندی در کتاب خود با عنوان «جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران در عصر قاجار» فصلی را به «تجار در دوره قاجار» اختصاص داده که حاوی اطلاعات بسیار سودمندی در این زمینه است. وی با متمایز کردن تجار از

اصناف و اینکه تجار عمده‌فروش و بقیه گروهها (صراف، دلال و فروشنده) خرده‌فروشدند، می‌نویسد بازرگانان در دوره قاجار از هر طبقه اجتماعی دیگر محترمتر شمرده می‌شدند و به راستگویی و درستکاری شهرت داشتند. مردم غالباً مبالغی هنگفت از پول خود را بدون گرفتن سند به آنها می‌پرداختند. آنها در شمار اعیان و اشراف محسوب می‌شدند. هر بازرگان خرده‌فروش یا حتی هر صراف خوشبخت آرزو داشت که هرچه زودتر تاجر شود. برای اینکه «تجارت بهترین شغل بود.» به استثنای علما و طبقه حاکم، بازرگانان تحصیل‌کرده‌تر از سایر مردم بودند. زیرا آنها به خواندن و نوشتن نیاز داشتند تا بتوانند قرارداد ببندند و حساب خرید و فروشهای خودشان را نگه دارند. سطح تعلیم و تربیت آنها نیز موجب شده بود که برداشتهای روشنتری از قضایا داشته باشند. اروپاییان نیز دریافته بودند که بازرگانان بیشتر از هر طبقه دیگر در ایران از دنیای خارج آگاهی دارند. زیرا بازرگانان با اروپا و هند در داخل یا خارج ایران ارتباط داشتند و از این طریق نقش مهمی در ترویج عقاید جدید و اصلاح طلبانه در ایران ایفا کردند. آنها همچنین در پذیرش عقاید و نهادهای جدید آمادگی بیشتری داشتند و خود را با پیشرفتهای و تغییرات جدید بخوبی وفق می‌دادند: مثلاً در سال ۱۸۷۱ (برابر با ۱۲۵۰ شمسی) دوتن از تجار یزد، ژنرال گلد سمید را ملاقات کرده و از او پرسیده بودند که آیا می‌توان به هزینه تجار یزد، بین یزد و دهبید خط تلگراف تأسیس کرد. صرف‌نظر از امکان عملی این سرمایه‌گذاری ملاقات آنها با ژنرال یاد شده نشان می‌دهد که آنها امکانات صنعت جدید را برای

شغل خودشان شناخته بوده‌اند. چندسال بعد همان تجار درباره هزینه تأسیس راه‌آهن به تحقیق پرداختند. اگرچه به سبب هزینه زیاد این طرح از اجرای آن نومید شدند.

همین امر و نیز ارتباط تجار بزرگ ایران با شرکتهای تجاری اروپا را می‌توان مقدمه‌ای برای غطف توجه تجار ایرانی از «مشارکت مدنی» به تشکیل «شرکتهای تجاری» به عنوان «نهاد حقوقی» برخاسته از تمدن جدید، دانست.

بنا به روایت ویلم فلور گروه اجتماعی که تجار بیش از همه با آنها وجه اشتراک داشتند، علما بودند. صرف‌نظر از اینکه بین این دو طبقه به علل شغلی روابط نزدیکی وجود داشت. تجار برای بستن قراردادهای تجاری و امثال آن به علما نیاز داشتند. نویسنده از تجار و علما در جامعه ایران آن دوره به عنوان دو قدرت مستقل از حکومت یاد می‌کند و بر آن است که تجار از نظر ذهنی خیلی مذهبی بودند. به روایت فلور در ۱۸۸۳ (۱۲۲۱ شمسی) سی‌تن از چهل‌وسه تاجر عمده تهران حاجی بودند. افراد خانواده‌های تجار و نیز علما با یکدیگر ازدواج می‌کردند. بسیاری از خانواده‌های تجار از اینکه با خانواده روحانی یا مجتهدی وصلت کرده بودند به‌خود می‌بالیدند. فلور می‌افزاید بسیاری از خانواده‌های سادات که گروه مذهبی مهمی هستند نیز به تجارت مشغول بودند.

وی در زمینه آگاهی طبقاتی تجار و نیز ارتباط آنها با حکومت می‌نویسد:

«هرچند تجار باهمه نوع مردمی دادوستد داشتند، بیشتر باخودشان بودند. این امر موجب پیدایش نوعی آگاهی طبقاتی انحصاری و پیدایش خانواده‌های بازرگان شده بود. از آنجا که تحرک

اجتماعی در دوره قاجار اندک بود و بسیاری از بازرگانان تاجرزاده بودند، کمابیش جامعه بسته‌ای تشکیل می‌دادند که به شیوه خاص خود زندگی می‌کردند. این شیوه به سبب اینکه هرکس معمولاً با افراد طبقه خود ازدواج می‌کرد، رواج بیشتری یافت.

آگاهی طبقاتی که تنها در تجار دیده می‌شد از آنجا که آنها حتی در مراکز مهم تجاری گروه بسیار کوچکی را تشکیل می‌دادند، افزایش یافت. به نظر می‌رسد که آنها حتی یک‌صدم جمعیت شهرنشین را تشکیل نمی‌داده‌اند. در تهران در ۱۸۸۶ (۱۲۶۵ شمسی) تقریباً نیم‌درصد و در کاشان در حدود ۱۸۵۰ (۱۲۲۹ شمسی) تقریباً ۳ درصد بودند.

در آن زمان عده قلیلی تاجر زندگی اقتصادی هر شهر را در دست داشتند. این امر به علت منابع سیاسی و اقتصادی تجار بود که از آن طریق توانستند بسیاری از تجار و اصناف دیگر را به استخدام خود درآورند. به‌علاوه آنها حلقه ارتباط بین مقامات محلی و جامعه بازار به‌شمار می‌رفتند. در بسیاری از شهرها بخصوص در نیمه دوم سده نوزدهم، ریاست تجار را ملک‌التجار یا رئیس تجار به‌عهده داشت. این مقام قبلاً در زمان تیموریان و صفویان نیز وجود داشت.

ملک‌التجار به وسیله همکارانش از میان بانفوذترین تجار شهر انتخاب می‌شد. نامزدی او می‌بایست به حاکم شهر پیشنهاد شود و حاکم انتخاب او را تأیید کند. تجار مسئولیت سرپرستی را به ملک‌التجار وامی‌گذاشتند تا در مرافعات بین آنها و مشتریانشان، داوری و آن را تصفیه کند. در هنگام ورشکستگی نیز او مسئول هیئت داوری بود.

در تهران اگر ملک‌التجار نمی‌توانست قدرت خود را اعمال کند، یا اگر گاهی واقعه‌ای غیرعادی رخ می‌داد، وی می‌توانست از وزیر تجارت تقاضای کمک کند. علاوه بر این ملک‌التجار در امور مالی و اقتصادی مشاور حکومت و به‌منزله عامل مالی شاه بود. ویلم فلور مناسبات واقعی تجار با حکومت قاجار را چنین تصویر می‌کند:

«در مرحله اول حکومت پیوسته به پول تجار نیاز داشت و از تجار برای پرداختهای خارج و داخل کشور استفاده می‌کرد. درواقع حکومت بدون تجار قادر به انجام وظایف خود نبود، زیرا کل پول نقد در دست تجار عمده بود. آنها همچنین بارها برای به حکومت رسیدن نامزدهای حکومت* پول خرج می‌کردند تا حکومت را برای وی بخرند. بسیاری از شخصیت‌های مهم بخشی از سرمایه خود را در اختیار تجار می‌گذاشتند، تا اگر احیاناً مغضوب واقع شدند خانواده‌های آنها بتوانند از آن سرمایه استفاده کنند.

صرف‌نظر از روابط ضروری میان مقامات رسمی و بازرگانان، نوعی زندگی مشترک نیز در اثر نیاز به تجملات خارجی، سرمایه‌گذاری، پول و امنیت مالی، بین این دو گروه ایجاد شده بود و گروه تاجرپیشه تمایلی به تغییر در جهت طبقات بالاتر پیدا کرده بود.

یکی از جنبه‌های بسیار برجسته خصوصیات افراد گروه حاکم، علاقه آنها به زمین و مستغلات بود. بنابراین هر تاجر جاه‌طلب می‌بایست به خرید مستغلات بپردازد، از تجارت شخصاً دست بردارد و ورق بزیند

* معادل تقریبی استاندارد در زمان حاضر.



امین السلطان صدراعظم

به دنبال کسب مقامی در حکومت برود.»
 در سراسر بخش اول سده نوزدهم
 تجار جای جای صاحب مستغلات بودند.
 در این امر عوامل چندی دخالت داشت:
 عامل نخست قحطی ویرانگر ۱۸۷۰-۷۱
 (۱۲۴۹-۱۲۵۰ شمسی) بود که تعداد
 زیادی از مردم را تهی دست ساخت و در
 نتیجه زمینهای زیادی برای فروش عرضه
 شد. عامل دوم این بود که بسیاری از تجار
 دریافتند که رقابت با کمپانیهای اروپایی در
 ایران به سودشان نیست، و برای
 سرمایه گذاری به دنبال راه دیگری رفتند.
 در این دوره غالباً تجار بزرگ با
 اعضای حکومت همکاری داشتند، زیرا
 هرکسی که در ایران خواستار موفقیت بود،
 ناگزیر می بایست به دنبال رابطه با چنان
 افرادی باشد. بدین طریق تجار می توانستند
 امنیت نسبی و ثروت کلان به دست آورند.
 روابط امین الضرب تاجر بزرگ
 و امین السلطان صدراعظم بانفوذ ایران در
 اواخر سده نوزدهم شهرت کافی داشت.
 در یابگی که از ۱۹۰۰ تا ۱۹۰۳ حاکم
 بوشهر بود (۱۲۷۹-۱۲۸۲ شمسی) آلت
 دست بازرگان قدرتمند، معین التجار بود که
 نیازهای مالی او را برآورده می کرد. و وقتی
 برخلاف میل معین التجار رفتار کرد، در اثر
 نفوذ وی از کار برکنار شد. ملک التجار
 بوشهر نیز بسیار ثروتمند و با قدرت بود و
 با امام مسقط روابط نزدیکی داشت. وی
 میان امام مسقط و شاه نقش واسطه را بازی
 می کرد و نام او صریحاً در معاهده ای که
 درباره تملک بندرعباس بین امام و
 حکومت ایران در ۱۸۶۵ (۱۲۳۴ شمسی)
 منعقد شده آمده است. بدین سان می توان
 ملاحظه کرد که برخی از تجار کاملاً در
 مسائل سیاسی شرکت می کردند و این کار

برای آنها سود شخصی بسیاری به بار
 می آورد. باینکه در دوره قاجار نامی در
 همه شئون زندگی وجود داشت، تاجران
 کمتر از گروههای دیگر در معرض ستم
 بودند. مقامات حکومت حاضر نبودند
 مرغی را که تخم طلائی می گذاشت بکشند.
 بدرفتاری با تجار موجب می شد که آنها
 یکسره از پرداخت وام به حکومت یا عمال
 او خودداری کنند.

در این دوره بسیاری از تجار با
 استانبول یا مسکو یا بمبئی یا با مجموع
 این سه شهر، معاملات وسیعی داشتند.
 شماره نمایندگیهای آنان در خارج در نیمه
 دوم سده نوزدهم افزایش یافت و تجارت
 آنان ترکیبی از صادرات و واردات بود.
 تجارتخانههای اروپاییان در ایران نیز
 به همین شکل عمل می کردند. هر دو طرف
 توسط دلال دادوستد می کردند. شرکتهای
 بزرگ تجاری و مؤسسات بانکی دلال
 خاص خودشان را داشتند که مسئولیت
 آنها، یافتن مشتری، ترتیب معاملات،
 شرایط خرید و فروش و توجه به تضمین
 پرداختها بود. دلالان غالباً بدنام و بیشتر از
 تجار ورشکسته سابق بودند. آنها دفتر
 روزنامه ای داشتند که در آن همه معاملات و
 نیز نام خریدار و فروشنده، محل اقامت،
 قیمت، مقدار و شرایط اعتبار و جز آن



حاجی محمدحسن امین الضرب

نوشته می شد. خریدار پای این ورقه را مهر
 می کرد یا انگشت می زد. و این روزنامه در
 دادگاه به صورت مدرک قانونی عرضه
 می شد. دلال برای تضمین بیشتر، خریدار
 و فروشنده را وادار می کرد که قولنامه ای
 تنظیم کنند که بموجب آن متعهد می شدند
 طبق شرایط مورد توافق عمل کنند. ضمناً
 قولنامه، غالباً برای دلال به منزله وکالتنامه
 بود تا معامله را طبق شرایط خاص منعقد
 کند.

در تبریز این مدرک می بایست توسط
 کنسول تجار اروپایی و منشی حکومت
 ایالتی امضا شود تا سندیت پیدا کند. چون
 قولنامه یکی از مدارک معدودی بود که در
 دادگاههای مذهبی سندیت داشت غالباً با
 مهر یک مرجع مذهبی نیز قانونی می شد.
 در دوره قاجار ماهیت و میزان تجارت
 در هر شهر و هر زمان تفاوت می کرد.
 مشکل می توان تاجران بزرگ را مشغول
 دادوستد یک کالا یا یک تجارت دید. فقط
 تاجران کوچک و موزغان بازار خود را
 وقف یک کار می کردند. از آنجا که تجارت
 گسترده، نیازمند سرمایه کلان بود غالب
 تجار عامل یا نماینده تجار بزرگتر یا
 تجارتخانههای خارجی بودند.

یافتههای ویلم فلور گویای آن است که
 عدم تمرکز سرمایه در دوره قاجار به لحاظ

ضعف کمی و کیفی، تجارت ایران را در آن زمان، تابعی از متغیر سرمایه خارجی، محیط جغرافیایی و دیگر عوامل کرده بود. در اوایل قرن نوزدهم در بندرعباس هیچیک از رشته‌های تجارت محلی رونق نداشت. حجم تجارت وابسته به سفارشی بود که نمایندگان تجار در بمبئی می‌دادند. شرکت‌های ایرانی معمولاً با بمبئی حساب پایاپای داشتند. با اینکه بیشتر کالاها انگلیسی بود؛ به‌ندرت مستقیماً به اروپا سفارش داده می‌شد. بسیاری از نمایندگان هندی و غالب آنها نماینده شرکت‌های هندی بودند که در ۱۸۹۰ (۱۲۶۹ شمسی) تقریباً شمار آنها ۸۰ و در ۱۹۰۳ (۱۲۸۲ شمسی) در حدود ۵۰ بود.

«وضعیت بوشهر نیز از این نظر با بندرعباس تفاوت چندانی نداشت. تجار ایرانی در واقع در اینجا فقط عمال و یا دلآلان شرکت‌های خارجی بودند. در حوالی سال ۱۹۰۰ (۱۲۷۹ شمسی) هیچ تاجری به حساب خود تجارت نمی‌کرد. بهترین سرمایه آنها صداقت بود. تجار ایرانی کالاهای خود را به موکلان یا شرکای خود در شیراز یا اصفهان می‌سپردند. تجارت با هند وسیع و استوار بود.

یزد تجارت داخلی درخور ملاحظه‌ای داشت. در عین حال مرکز اصلی توزیع کالاهایی بود که در بازارهای شمال ایران به فروش می‌رفت. در اینجا تجارت کاملاً از عنصر خارجی عاری بود. در همسایگی یزد یعنی کرمان فعالیت تجار هندی بر امور تجاری غلبه داشت. روابط تجاری هندیان شیکرپوری در سراسر ایالت کرمان حتی تا بلوچستان انگلیس (پاکستان) هم می‌رسید.

از بوشهر به سوی شمال، شیراز

نخستین منزلگاه بود. تجار شیرازی بیشتر کالاهای خود را از شرکت‌های خارجی مستقر در شیراز می‌خریدند. فقط تجار عمده با بمبئی ارتباط مستقیم داشتند. هرگونه تماس مستقیم با اروپا بسختی صورت می‌گرفت. وضع اصفهان با شیراز تفاوت چندانی نداشت. تجارت خارجی خوزستان، عمدتاً از طریق خرمشهر (محمّره) صورت می‌گرفت. تاجران اینجا اساساً نماینده شرکت‌های انگلیسی یا هندی بودند. در تبریز قبل از ۱۸۳۷ (۱۲۱۶ شمسی) قسمت عمده تجارت در دست بازرگانان ایرانی بود که تقریباً به‌طور انحصاری دست‌اندرکار تجارت منسوجات پنبه‌ای بودند. پس از آن تعداد زیادی از شرکت‌های اروپایی در تبریز نمایندگی افتتاح کرده، بتدریج بر بازار سیطره یافتند. در آنجا هنوز رابطه مستقیمی با استانبول و مسکو وجود داشت. اما بیشتر کالاهای تجاری در داخل از شرکت‌های خارجی خریده می‌شد.

نبود رابطه مستقیم تجاری با اروپا، و اینکه تجارت بیشتر از طریق دلآلان یا باواسطه شرکت‌های خارجی، صورت می‌گرفت به‌خوبی نشانگر این واقعیت است که ایران حتی در اواخر دوره قاجار و در اوایل قرن نوزدهم نیز هنوز در مدار بازار جهانی قرار نگرفته بود که بررسی چرایی آن از حدود بحث ما، خارج است. اما یکی از علل آن را می‌توان ضعف مالی تاجران ایرانی دانست. در این رابطه ویلم‌فلور می‌نویسد «در ۱۸۰۷ (۱۱۸۶ شمسی) گویا ملک‌التجار تهران پنجاه هزار تومان داشته و در ۱۸۹۳ (۱۲۷۲ شمسی) در یزد کنسول انگلیس گزارش داد که در اینجا تعدادی تاجر ثروتمند هست که

سرمایه تجاری آنها حدود دو میلیون تومان است. این مبلغ براساس قیمت کنونی استرلینگ به‌نظر ناچیز می‌آید. اما در کشور فقیری نظیر ایران مبلغ معتناهی است و به تجارت تأمین و تحرکی می‌دهد که در سایر مراکز کشور وجود ندارد.»

در واقع، ما شاهد این مسئله هستیم که جریان انباشت سرمایه، در ایران آن زمان که کشور فقیری بوده، در سطح بسیار نازلی قرار داشته است. همین نویسنده، با بیان ارقام دیگری از تعداد تجار و ثروت آنان در بعضی از شهرهای ایران، نتیجه می‌گیرد که تجار ثروتمند تعداد کمی از جامعه تجار را تشکیل می‌دادند و تجار کوچک و متوسط در اکثریت بودند. سرمایه تجار بزرگ معمولاً از پنجاه تا صد هزار تومان بیشتر نبود. البته افرادی نیز بودند که بسیار بیش از آن مبالغ دارایی داشتند. اما این‌گونه بازرگانان استثنایی بودند. گفته می‌شد حاجی محمدحسن امین‌الضرب ۲۵ میلیون تومان ثروت داشته است. وی در خارج معاملات کلان می‌کرد، نمایندگانی در اروپا و چین و مقدار زیادی مستغلات داشت. از جمله تجار غیرمسلمان، برادران تومانیانت (ارمنی) فقط در روسیه ۲۴ میلیون قران در ۱۹۱۷ دارایی داشتند و ارباب جمشید (پارسی) که این‌ها از نمونه‌های تاجران موفق بودند.

اما همچنانکه دیدیم، وضع مالی تجار ایرانی چندان استوار نبود. در نتیجه تجار اروپایی به لحاظ داشتن سرمایه بیشتر، سازمان بهتر و در نتیجه توانایی در تهیه کالای ارزاتر، قسمت اعظم تجارت ایران را به‌خود اختصاص دادند. و از این‌رو تجار، ناگزیر از مقابله با این وضع بودند. ورق بزیند

واکنش تجار ایرانی در این مورد، در وهله اول سیاسی و در مرحله دوم تجاری بوده است.

تجار ایرانی تنها در اواخر سده نوزدهم دریافتند که تجارت مستقیم با اروپا برای آنها باصرفه تر از آن است که به خرید از عمال آنها در شهرهای ایران بپردازند و از این رو ابتکار عمل را در دست گرفتند و از طریق نمایندگان یا اعضای شرکتهای خودشان که در اروپا تأسیس شد، مستقیماً کالاها را از سازندگان آنها خریداری کردند. بدین سان شرکتهای انگلیسی بتدریج انحصار واردات را در اصفهان از دست دادند. در گیلان تجار ایران با موفقیت توانستند دست تجار روسی، ارمنی، فرانسوی و ایتالیایی را از تجارت ابریشم کوتاه کنند بدین معنی که خود مستقیماً دست به کار صدور ابریشم به ماری و میلان، دو بازار عمده ابریشم، شدند. همچنانکه در بالا دیدیم فقط در این چند مورد تجار ایرانی توانستند با تجار اروپایی با موفقیت رقابت کنند. اروپاییان به علت قدرت مالی و شیوههای تجاری خود موفق بودند بنابراین تجار ایرانی برآن

شدند که سرمایه خود را به رقابت بیشتر با تجار اروپایی اختصاص دهند. این امر موجب تشکیل شرکتهای بزرگ متعددی گشت که غالباً اعضای آن افراد یک خانواده و هم‌مذهب یا همشهری بودند.

در سال ۱۸۸۰ (برابر ۱۲۵۹ شمسی) نخستین شرکت را حاجی زین‌العابدین امین‌التجار شیرازی تأسیس کرد. وی برای حمل و نقل کالا قایق خرید و منافع تجاری خود را در خرید کشتیهای بخار به کار برد. وی با بمبئی شرکتهای کلان داشت. در ۱۸۸۲ (۱۲۶۱ شمسی) شرکت امنیه در

تبریز تأسیس شد. در ۱۸۹۰ (۱۲۶۹ شمسی) شرکت تجاری (محدود) فارس زیر نظر حاجی عبدالرحیم و به معاونت میرزا عبدالرزاق در شیراز به منظور خنثی کردن فعالیتهای بانک شاهی ایران تأسیس شد. اما پس از اندکی، نیروی خود را فقط صرف تجارت کرد. سرمایه این شرکت پانصد هزار قران بود و هر سهم ۲۵۰ قران که همه سهمها را تصاحب کرده (خریده) بودند. شش مدیر داشت که همه مقیم شیراز بودند. در هر سال، دو بار سود سهام می‌پرداخت. در ۱۸۹۲ (۱۲۷۱ شمسی)

سود شرکت به ۱۵٪ رسید. شرکا شعبه‌هایی هم در بمبئی، یزد، اصفهان، بوشهر و تهران داشتند. تجارت شرکت اساساً قماش نخ‌ی یا ابریشمی و شکر بود. این شرکت در میان مردم تا حد زیادی اعتبار داشت و بخوبی کار می‌کرد. در ۱۸۹۲ (۱۲۷۱ شمسی) شرکت منصوریه در یزد تأسیس شد. در این اوان، در اصفهان پیشنهاد شد که شرکتی برای خرید تنباکو زیر نظر آقاجانی رهبر بزرگ مذهبی این شهر تأسیس شود. هدف این بود که تجارت تنباکو در انحصار این

سواد تصدیق و توثیق حضرت مستطاب العبد المذنب
 الخیر الموعود علی الصغر تاج الملک علی محمد طاهر القاسمی
 کلایه تاجی شیراز کاشف المظلمین و الماخذین حسنا و جودنا
 ملازم و تصدیق توثیق توثیق و توثیق و توثیق و توثیق
 ملازمه و توثیق و توثیق و توثیق و توثیق و توثیق
 باین نام نظامت که در شهر شیراز و توثیق و توثیق و توثیق
 کارهای بزرگ و کوچک استیانت با داری توثیق و توثیق و توثیق
 علی محمد تاجی شیراز

۲۱۵۱
 به مناسبت...
 بیستم...
 ۱۳۰۰...
 ...

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

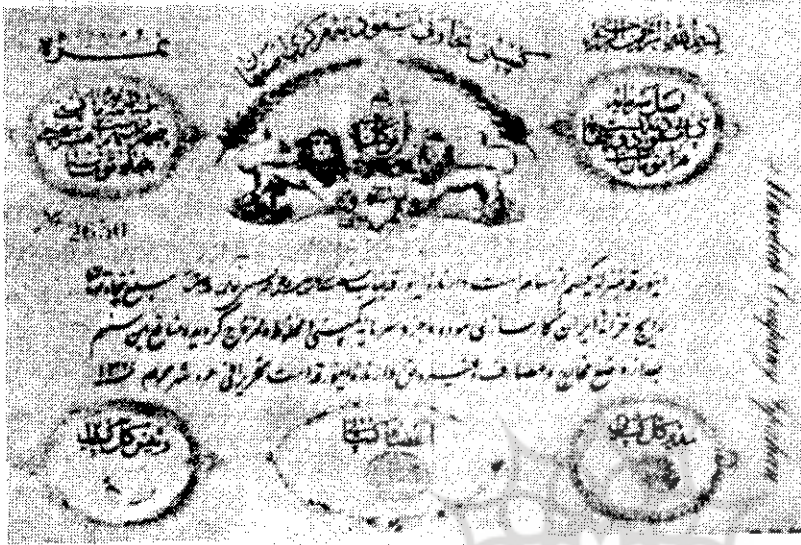
صورت فصول شرکت عمومی متعمران بعد از
 وضع دیباچه و مقدماتی که در اصل نسخه
 فلهی که دیده از قراری است که در این کتاب طبع
 رسیده و محض اطلاع عموم شرکای محترم میسر میشود

موسسه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 سال هفتم

شرکت درآید. قرار بود سرمایه شرکت دو میلیون قران و هر سهم هزار قران باشد و هر سال ۵٪ سود سهام داده شود. هیچیک از سهامداران که کمتر از بیست سهم داشت مجاز نبود که در امور شرکت دخالت کند و قرار بود پس از هفت سال سرمایه شرکت بین سهامداران تقسیم شود. ظاهراً از این طرح چیزی به بار نیامد. زیرا تجارت تنباکو کاملاً در دست شرکت ترکیه (عثمانی) باقی ماند.

در همان اوان شرکت ناصری توسط حاجی محمد مهدی ملک التجار (معمد السلطان) و حاجی آقا محمد معین التجار، که هر دو بوشهری بودند، تأسیس گشت. شیخ محمّره و امین السلطان صدراعظم، از این شرکت حمایت می کردند و شرکت به طرز جالبی با آقایان لینیچ به رقابت پرداخت. به تاجران محلی توصیه و حتی بعداً دستور داده شد که از حمل و نقل کالاهای خود با کشتیهای بخار لینیچ خودداری کنند. در ۱۸۹۷ (۱۲۷۶ شمسی) شرکت اتحاد در تبریز تأسیس شد و در سراسر ایران و ترکیه نمایندگیهای برپا کرد. نمایندگان این شرکت در کرمان، مسئولیت خزانه حکومت را به عهده داشتند.

یک سال بعد، شرکت مسعودیه در اصفهان تأسیس شد و به کارهای تجارتي و بانکی پرداخت. این شرکت، همچنین شرکت اسلامی را تشکیل داد که سرمایه آن بالغ بر صد و پنجاه هزار تومان توسط علمای بزرگ شهر تأمین شده بود و لباسهای پشمی و پنبه‌ای نامرغوب باهدف حمایت از محصولات داخلی تهیه می کرد و در مراکز ایالات و در نجف شعباتی داشت. این شرکت باوصف آغاز خوب، به



سهام کمپانی تجاری مسعودیه (اصفهان)

دست خود گرفتند و با تأسیس نمایندگیها، رابطه مستقیم با تبریز برقرار کردند. در همین سال تجارتخانه «رالی» شعبه‌ای در تبریز افتتاح کرد. تجار تبریز در دفاع از موقعیت انحصاری خود، بنکدارها و دلآلان را از هرگونه ارتباط با رالی ممنوع کردند ولی چون نمی توانستند به طور نامحدود آنها را به آن حال نگه دارند ناچار برای حفظ سلطه خود بر آنها، پس از یک ماه اجازه دادند که بنکدارها با رالی معامله کنند. سه سال بعد تجار در تهران یکپارچه علیه ورود مصنوعات اروپایی، که موجب اختلال تجارت آنها شده بود، اعتراض کردند. در ۱۸۴۵ (۱۲۲۴ شمسی) در کاشان اقدام بی فایده مشابهی صورت گرفت. در ۱۸۶۴ (۱۲۴۳ شمسی) هیئت تجار در تبریز به نقش مسلط و محصولات اروپایی اعتراض کردند. اما ورق بزیند

سبب ضعف بنیه مالی ناشی از اختلاس مدیران، ورشکسته شد. در ۱۸۹۹ (۱۲۷۸ شمسی) شرکت عمومی (امتعه ایران) با یک میلیون تومان سرمایه به منظور انجام دادن کارهای بانکی و تجارتي در تهران تشکیل شد. هرچند بسیاری از شرکتهای یاد شده موفق نشدند، اما مهمترین شکست از آن شرکت عمومی امتعه ایران بود.

نخستین نشانه رخنه اروپاییان و مخالفت جامعه تجار ایرانی در ۱۸۳۰ (۱۲۰۹ شمسی) به وقوع پیوست. در این زمان کیفیت چیتها و چلوارهای انگلیسی، تجار ایرانی را چنان به هراس افکند که به شاه عرضحال دادند تا از ورود آنها جلوگیری کند.

در سال ۱۸۳۷ (۱۲۱۶ شمسی) به سبب ورشکستگیهای مکرر تجار ایرانی و کاهش اعتباری که از این راه ایجاد شد برخی شرکتهای اروپایی تجارت را در

شرکت سهامی بازرگانی ایران
تاسیس در سال ۱۳۰۲
مقرع در شهر تهران

<p> ادبیت (برای سهام) ۱۳۰۲ موقوفات (برای سهام) ۱۳۰۲ تسهیلات (برای سهام) ۱۳۰۲ سود (برای سهام) ۱۳۰۲ تسهیلات (برای سهام) ۱۳۰۲ سود (برای سهام) ۱۳۰۲ تسهیلات (برای سهام) ۱۳۰۲ سود (برای سهام) ۱۳۰۲ تسهیلات (برای سهام) ۱۳۰۲ سود (برای سهام) ۱۳۰۲ </p>	<p> ادبیت (برای سهام) ۱۳۰۲ موقوفات (برای سهام) ۱۳۰۲ تسهیلات (برای سهام) ۱۳۰۲ سود (برای سهام) ۱۳۰۲ تسهیلات (برای سهام) ۱۳۰۲ سود (برای سهام) ۱۳۰۲ تسهیلات (برای سهام) ۱۳۰۲ سود (برای سهام) ۱۳۰۲ تسهیلات (برای سهام) ۱۳۰۲ سود (برای سهام) ۱۳۰۲ </p>
---	---

اطلاع شرکای عظام در نظر انفعال از هر وقت با یاداری که در این
اضمان اطلاع در هند بر این است که بعضی شرکای محترم مفقود در جا از وجه
بچند روزن اطلاع و بعد از آن در هر چه که اتفاق افتاد در این مدت با استدلال

بیان شرکت اسلامی اصفهان

آنها هم نتیجه‌ای نگرفتند. تجار ایرانی به تدریج پایگاه خود را در بازار داخلی هم از دست دادند و در پایان سده نوزدهم این بازار کاملاً زیر سلطه تجار روسی و انگلیسی قرار گرفت. نه تنها تجارت ایران به سبب نفوذ غرب (خاستگاه نظام سرمایه‌داری) به طور جدی آسیب دید، بلکه صنعت ایران هم دچار این بلیه شده، تقریباً از بین رفت.

اقدامات تجار در نتیجه نقص سیستم ارتباطی و عدم واکنش عمومی نسبت به وضع بد آنها، به شکست انجامید، زیرا هر چند محمدشاه با کمک مالی به مصنوعات ایرانی، تجارت آنها را تشویق کرده بود، از این سیاست او غیر از محافظ درباری کسی حمایت نکرد. و حمایت برخی از مقامات محلی برای پیشرفت تجارت، بخشی از یک سیاست اقتصادی مداوم ملی نبود. بنابراین کاری را که آنان آغاز کرده بودند غالباً از طرف جانشینان آنها دنبال نشد.

حتی ایجاد وزارت تجارت در ۱۸۷۱ (۱۲۵۱ شمسی) که بخشی از سیاست اصلاحات سپهسالار بود، منافع تجار را افزایش نداد. مسئولیت این وزارتخانه رسیدگی به شکایات تجار و اداره یک دادگاه صنفی (محکمه تجارت) بود و برای خدمات خود ۱۰٪ حق الزحمه می‌گرفت.

ایجاد مجلس تجارت نیز که به ریاست نایب اول این وزارتخانه، با شرکت ملک التجار، امین التجار و معین التجار و پانزده تن از تاجران بزرگ و سه نفر از مقامات وزارتخانه برای مباحثه درباره نتایج تجارت در شمس‌العماره تشکیل می‌شد، گرهی از مشکلات تجار نگشود. از یک سو رشد تجارت موجب شد که

که صنایع ایران در اثر سیلاب واردات اروپایی نابود شده است. آنها همچنین شاهد غلبه بیش از پیش روس و انگلیس بر حکومت ایران بودند، که نتیجه‌اش اعطای امتیاز به بیگانگان بود. این امر و جو سیاسی و اجتماعی که بر ضد منافع آنها بود، به امکانات توسعه آنها آسیب رساند، و موجب شد که آنها از طریق قانون خواستار اصلاح و تغییر شوند. آنها می‌خواستند که از رخنه بیگانگان و نیز استبداد حکومت جلوگیری شود. تجار

وابستگی تجار زیادتر شود. در شمال تجار روسی تقریباً نیمی از تجارت خارجی را در دست داشتند و در جنوب تجار انگلیسی قسمت عمده تجارت را در اختیار داشتند. بخش اعظم تجار ایرانی هم، نه به صورت شرکای مساوی، بلکه به صورت عامل (دلار) و مزدوری که بهترین سرمایه‌اش صداقت بود، به شرکتهای اروپایی وابستگی پیدا کردند و این امر خشم فزاینده علیه بیگانگان را دامن زد. از سوی دیگر تجار ایرانی دیده بودند

ایرانی که در میان علما، متحدانی داشتند موفقیت نسبی به دست آوردند. علما نیز به دلایل شخصی هدفهای مشابهی داشتند. بیگانگان - در این جریان انگلیس - فرصت را آماده کردند. اعطای امتیاز انحصار تنباکو به یک شرکت اروپایی بر تجار سراسر ایران و نیز علما گران آمد. اقدام دسته جمعی آنها جلوی تجاوز بیگانگان را گرفت. لیکن لغو امتیاز تنباکو، یا امتیاز رژی به وضعی انجامید که علما و تجار خواستار آن نبودند*. یعنی موجب وابستگی بیشتر ایران به قدرتهای بیگانه گردید. زیرا پس از آن ماجرا بود که ایران برای نخستین بار وام خارجی گرفت. هنگامی که حکومت قاجار در آستانه زوال خود مستبدتر گشت، جنبش ضد حکومت و ضد بیگانه تحرک بیشتری یافت. بخصوص تاجران ایرانی مقیم خارج یعنی در استانبول، باکو و بمبئی به نشر عقاید اصلاح طلبانه در میان هموطنان خود پرداختند. این تجار که دیده بودند حکومت دموکراتیک و منظمتر و امنیت راهها و اموال در تجارت و صنعت تا چه حد مؤثر است، برآن بودند که اوضاع مشابهی در ایران پدید آورند.

این همه، یعنی برقراری حکومت دموکراتیک و امنیت راهها و اموال، در مرحله نخست خواست تجار، اعم از ایرانی و اروپایی، یا بهتر بگوییم، لازمه امر تجارت بود، که تأمین آن از عهده دولت قاجار، و سیستم نالایق و ناکارآمدی که در آن دوره وجود داشت، خارج بود. چنین بود که بازاریان (تجار) و علما، که ضمن همپوندی با یکدیگر و روابط با حکومت، قشرهای مستقل از حکومت بودند به اعتراض برخاستند و مردم نیز که همواره

خواستار رهایی از ستم بودند به آنان پیوستند.

از سوی دیگر، تجارت با اروپا، که از سالها پیش آغاز شده بود و خصوصاً نفوذ هرچه بیشتر سیاسی - اقتصادی انگلیس، به عنوان پیشرو نظام سرمایه داری، در کار آن بود تا ایران را در اقتصاد جهانی و نظام تقسیم بین المللی کار ادغام کند و در مدار بازار جهانی قرار دهد.

۲. مداخله دولتهای امپریالیستی برای غلبه بر اقدامات تجار ایرانی

در بخش نخست دیدیم که چگونه شرکتهای تجاری اروپایی، با اتکا به سرمایه بیشتر، سازمان بهتر و به طور کلی با استفاده از شیوه تولید پیشرفته تر و برتر سرمایه داری حاکم در اروپا، در قیاس با ورق بزنید

این طهران بی شهر از ازمغه نلکر الخانی علی بیجان

نم	عدد کلمات	تاریخ اصل مطلب	اطلاعات
۶۲	۳۸	ساعت ۱۰ دقیقه	

و خط و مهر طاهر مرقد حضرت صدر آصفی که در سن ۱۲۶۹ هجری قمری در شهر تبریز
بازگشایی و مرقد حضرت که در سن ۱۲۶۹ هجری قمری در شهر تبریز

شهر تبریز

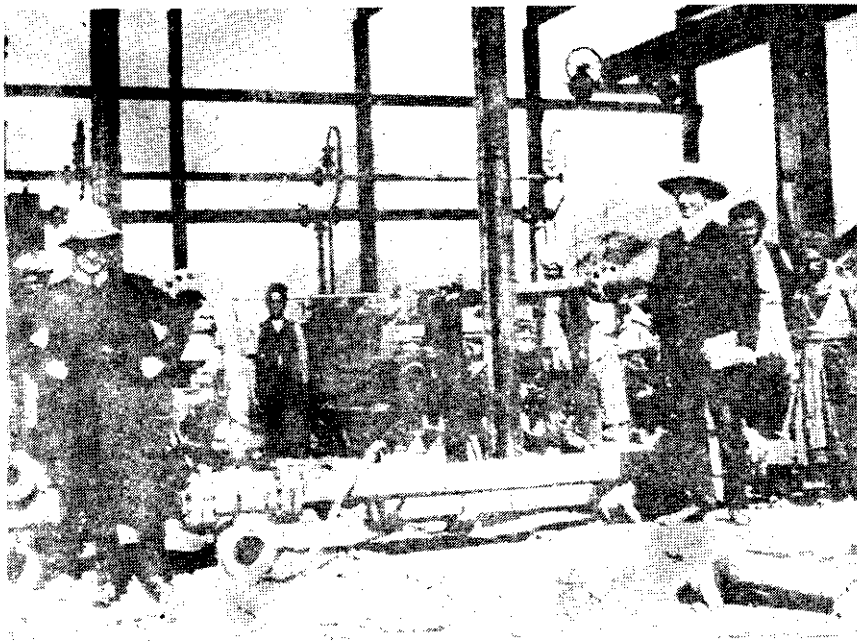
۱۲۶۹

بسم الله الرحمن الرحیم

این سند در روز ۱۸ شهریور ماه ۱۲۶۹ هجری قمری در شهر تبریز
مهر و امضاء شد و در دو نسخه تنظیم گردید و در هر دو نسخه
مهر و امضاء شد و در هر دو نسخه مهر و امضاء شد

مهر و امضاء	تاریخ	محل	موضوع
	۱۸ شهریور ۱۲۶۹	شهر تبریز	تاریخ اصل مطلب

نمونه * یک برات نلکرافی صرافان ایرانی به تاریخ ماه محرم ۱۲۶۹ هجری قمری



نخستین چاه در سال ۱۹۰۸ میلادی به نفت رسید

شیوه‌های تولید ماقبل سرمایه‌داری، خصوصاً نظام ارباب‌رعیتی که بر ایران سلطه داشت، توانستند قسمت اعظم تجارت ایران را به خود اختصاص دهند و تجار ایرانی و شرکتهای تجاری تشکیل شده توسط آنان را در عرصه رقابت اقتصادی شکست دهند.

اما، رقابت اقتصادی، یک سوی سکه بود. آن سوی دیگر سکه نفوذ و مداخله مستقیم دولتهای امپریالیستی، خصوصاً بریتانیای کبیر و روسیه تزاری، در سیاست کشور بود، که با وارد آوردن شکست نظامی و اعمال مطامع استعماری، امتیازات متعددی را در ایران به دست آوردند.

به بیان دیگر، درحالی که انگلستان به مدد غارت بی حد و اندازه مستعمرات، و ثروت هنگفت حاصل از آن، به انقلاب صنعتی دست یافت و در پرتو این انقلاب از همه کشورها، پیشی گرفت. همچنان سیاست استعماری خود را نیز پیش می‌برد و هرچند، کشور ما، هیچگاه مستعمره قدرتهای بزرگ نبود اما به‌طورکلی از دوران حکومت قاجار، خاصه فتحعلیشاه، جابه‌جا وجه‌المصالحه تضاد و اشراک دو سیاست نیرومند امپریالیستی روسیه تزاری و بریتانیا، قرار می‌گرفت.

این دو قدرت بزرگ، علاوه بر نفوذ و مداخله مستقیم در سیاست کشور، با استفاده از ضعف و بی‌لیاقتی هیئت حاکمه، منافع اقتصادی مشخصی را هم از طریق تحصیل امتیازات، به دست می‌آوردند. در این خصوص، به امتیاز اعطا شده به بارون ژولیوس دورویتر که در ۲۵ ژوئیه ۱۸۷۲ میلادی برابر با ۳ مرداد ۱۲۵۱ شمسی همراه با امتیاز بانک شاهنشاهی ایران در تهران به امضا رسید،

اشاره می‌کنیم. این بانک که در ۱۸۸۹ میلادی برابر شهریور و اوایل مهر ۱۲۶۸ شمسی در تهران افتتاح شد، و یک سال بعد در شهرستانهای ایران شعبه‌های خود را تشکیل داد، در اواخر دوره قاجاریه، نقش خاصی در اقتصاد ایران ایفا کرد، که بحث پیرامون آن، مجال دیگری می‌طلبد. در سال ۱۹۰۱ میلادی برابر با ۱۲۸۰ شمسی، ویلیام ناکس دارسی، تبعه انگلیس، امتیاز تفتیش و تفحص و استخراج و فروش نفت ایران را کسب کرد و قرارداد آن را منعقد نمود. همین امتیاز، مبنای صدور امتیاز استخراج نفت برای «شرکت نفت ایران و انگلیس - محدود» در سال ۱۳۱۲ گردید.

از سال ۱۸۲۸ تا ۱۹۱۰ میلادی (۱۲۰۷ تا ۱۲۸۹ شمسی) روسیه تزاری نیز در پی کسب منافع اقتصادی بیشتر، همراه با کسب امتیازات سیاسی، امتیازات متعدد اقتصادی در ایران به دست آورد و مؤسساتی تجارתי برپا کرد که «کمپانی خوشتاریا» و امتیازات مکتسبه توسط آن، از معروفترین آنها، بود.

میرزا تقی‌خان امیرکبیر، برای نجات ایران از چنبره سلطه و نفوذ انگلستان و

روسیه تزاری، چاره کار را در برقراری روابط با «ممالک متحده آمریکا» تشخیص داد. اما با وصف موفقیت وی، در برقراری روابط سیاسی بین ایران و آمریکا، از آنجا که تجارت قابل ملاحظه‌ای بین دو دولت وجود نداشت - و آنچه بود با واسطگی اروپاییان انجام می‌گرفت - در جریان انقلاب مشروطه، دولت آمریکا، بنا بر قاعده نمی‌توانست چندان علاقه‌ای به امور و جریانات ایران داشته باشد.

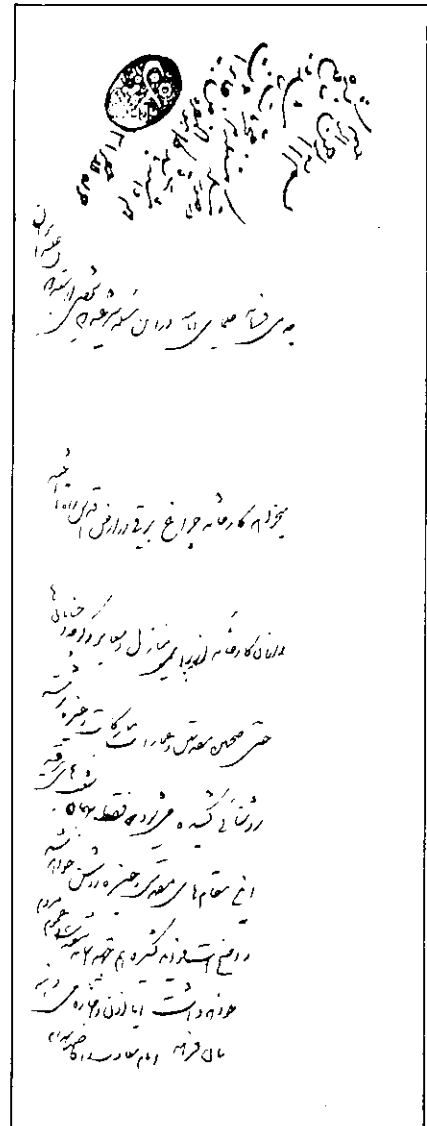
تنها بعد از برقراری مشروطیت در ماه اوت ۱۹۲۲ (مرداد ۱۳۰۱) است که نماینده «شرکت نفت سینکالر» به تهران وارد و شرایطی را برای تحصیل امتیاز نفت شمال به دولت تقدیم می‌کند و امتیاز پنج ایالت شمالی به استثنای گیلان به شرکت سینکالر واگذار می‌شود. در موقع امضای امتیاز سینکالر، مجلس جشنی در تهران برپا شد و نخست وزیر وقت قوام‌السلطنه ضمن نطقی که در آن مجلس ایراد کرد چنین گفت:

«من این موقع را یکی از بهترین مواقع تاریخ ایران می‌دانم. ما می‌خواهیم سلطه اقتصادی انگلیس و روس را از بین ببریم و امضای این امتیاز با یک شرکت آمریکایی،

مقدمه روابط مستحکمتری بین ایران و آمریکا خواهد بود»
این رویداد نیز سرآغاز ورود شرکتهای امریکایی به ایران شد.

پایان قسمت اول

قسمت دوم «شرکتهای تجاری در ایران» را در شماره آینده مطالعه فرمائید.



استقنا، از علمای اعلام مبنی بر اذن احداث کارخانه بزی استان قدس رضوی در سال ۱۳۲۵ هجری قمری که مورد قبول واقع و اجازه احداث داده شد.

نظر به اینکه خوشبختانه بحثهای دامنه دار و گوناگونی در زمینه برگزاری و سخنرانیهای انجام شده در سومین سمینار حسابداری در بین اعضای حزفه در جریان است از کلیه همکاران ارجمند درخواست می شود در صورت تمایل، نظرات خود را در زمینه ارزیابی هر یک از سخنرانیها یا مجموع مطالب مطرح شده، و یا به صورت مقاله ای در باره موانع توسعه حسابداری در ایران، تا تاریخ ۷۲/۱۰/۳۰ به انجمن حسابداران خبره ایران ارسال فرمائید تا در نشریه ای که به همین مناسبت منتشر خواهد شد چاپ شود.